

**کنگره
حزب
شما!**

**برای آینده ای
روشن، آزاد و
برابر**

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۹

جمعه ۳ آبان ۱۳۹۸، ۲۵ اکتبر ۲۰۱۹

پرسش از اصغر کریمی

**در مورد انتساب فعالین سیاسی
به حزب توسط دستگاه سرکوب حکومت**

شهناز مرتب

**پنج روز جدال و مبارزه
علیه حضور جمهوری اسلامی
در نمایشگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت**

**نمایشگاه کتاب فرانکفورت:
رودرویی حزب کمونیست کارگری
و جمهوری اسلامی**



**شهاب بهرامی
لبنان: قیام
علیه باندهای
فاسد قومی
مذهبی**

بدنبال خیزش انقلابی و ادامه دار مردم زجر دیده عراق بر علیه گانگسترهای حاکم، اینک صدای پای مارش ملیونی مردم لبنان علیه حکام فاسد را می شنویم. "میشل عون" رئیس جمهور این کشور نیز البته بعد از ده روز اعتصابات و اعتراضات خیابانی، این صدا را شنید و در نطق روز پنجشنبه ۲۹ مهرماه، قول داد که بر علیه فساد و چپاول سران ریز ودرشت سران حکومتی مبارزه خواهد کرد. جرقه این اعتراضات با اعلام بستن مالیات به اپلی کیشن تلفنی "واتس اپ" زده شد. حرکتی که سیل آسا و به سرعت شهرهای بیروت و طرابلس و نبتیه را فرا گرفت و در عرض سه روز همه کشور را بلرزه درآورد. دولت "سعد حریری" نخست وزیر لبنان به سرعت از طرح ریاضت اقتصادی دولت

متبوعش عقب نشینی کرده و قول داد حقوقهای رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزرا و نمایندگان مجلس را به نصف کاهش دهد و اصلاحات دیگری را نیز به اجرا گذارد. دولت لبنان بیش از نود میلیارد دلار، یعنی یک و نیم برابر درآمد سرانه آن کشور بدهی دارد. آنچه که بمثابة نقطه اشتراک دو خیزش اخیر در عراق و لبنان مشاهده میشود حمله مستقیم مردم به نهادهای مذهبی، بویژه جریانات تروریستی اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی است. جریانات اسلامی و متحدین جمهوری اسلامی در این دو کشور در نوک پیکان حمله مردم قرار گرفته اند. تابوی "حزب الله لبنان" شکسته شد، رهبر حزب شیعی متحد حزب الله، یعنی "امل" رسماً از طرف مردم

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه ها صفحه ۷ و ۸

برای آینده ای روشن و آزاد و برابر

خلاصه ای از سخنرانی مینا احدی در کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

من هم به سهم خودم، به همه شما عزیزان خوشامد میگویم.

اجازه بدهید از طرف شما به مردم آزاده ایران، به کارگران هفت تپه، هیکو، فولاد، آذراب و میلیونها کارگر در سراسر ایران درود بفرستم. به زندانیان سیاسی و خانواده های آنان، به زنان شجاع و مبارز در ایران، به دانشجویان و بازنشستگان و در کل به همه مردم ایران بگویم، زنده باد مبارزات رزمنده شما مردم علیه یکی از هارترین و ارتجاعی ترین حکومتهای تاریخ!

من در این فرصت کم میخواهم روی یک جنبه از فعالیتهایم تاکید کنم. در گزارش رفیق اصغر گفته شد که دانشجویان این بار از من دعوت میکردند که در معرفی کمونیزم کارگری و تجربیاتمان در ایران سخنرانی کنم. این یک جنبه مهم در فعالیتهای اخیرم بود. واقعیت اینست که نظام سرمایه داری در همه جا مصائب زیادی برای بشر بوجود آورده و راه حلی برای آن ندارد. در کشورهای اسیر حکومتهای فاشیست و دیکتاتور و در کشورهایی با دمکراسی پارلمانی همانند آلمان و اروپا، این مصائب به وفور خودنمایی میکنند. دنیا اسیر فقر و جنگ، نابرابری و استثمار و تهدید به نابودی محیط زیست است. و زمزمه ها در همه جنبش های



اجتماعی بلند و بلندتر میشود که مارکس حق داشت! در ایران، ما یک تجربه منحصر بفرد داشتیم. بعد از یک انقلاب ضد کاپیتالیستی، ۴۰ سال قبل یک جنبش وحشی و قرون وسطایی اسلامی به قدرت رسید. آن انقلاب را شکست داد و جامعه را قرنها به عقب برد.

در دل آن تلاطم انقلابی و به یمن وجود مارکسیست مبرز و برجسته منصور حکمت، ما به مارکس رجوع کردیم و منصور حکمت در نقد جریانات منتسب به کمونیسم در آن دوره، مارکسیسم انقلابی و بعدا کمونیزم کارگری را تئوریزه کرد و آنرا پرچم و راه حل مصائب کنونی جامعه سرمایه داری معرفی کرد. برای پایان دادن به این مصائب، احزابی را سازمان داد و نیرو جمع کرد. او قدرتگیری حزب کمونیستی و کارگری و یک حزب قدرتمند را کلید ورود به دوره رهایی جامعه و نفی سرمایه داری معرفی کرد و در

که ناظر و یا دخیل در فعالیتهای ما است و ما را میشناسد متوجه شده است که این ترند از چپ، با چپهای دیگر متفاوت است. یک کمونیزم پراتیک را میبیند که به همه مسائل و مصاحب جامعه کار دارد و منصور حکمت پرچمدار چنین کمونیسمی بود. چون در ایران و در دنیا تا همان حدی که فعالیت کرده ایم نشان دادیم از چه سیاست و افقی دفاع میکنیم و مبشر چه تغییراتی در زندگی امروز بشر هستیم.

از همه مهمتر این توجه ها به ایران جلب شده است. چرا که در اعماق آن جامعه یک رنسانس عمیق فکری و اجتماعی در جریان است. نگاهها بعد از اعتراضات میلیونی در سال ۸۸ و مرگ ندا آقا سلطان در مقابل چشم میلیونها نفر و بعد از حرکات اعتراضی صدها شهر در سال ۹۶ به ایران جلب شده است. همه دیدند در اعماق آن جامعه یک جنبش عظیم اجتماعی علیه نظام کاپیتالیستی و حکومت های اسلامی در جریان است. انقلابی که چپ و مدرن و پیشرو و منطبق با فرهنگ پیشرفته غربی است.

این تصویر جامعه ایران که نتیجه فعالیت یک جنبش اجتماعی و مدرن علیه توحش اسلامی و سرمایه داری است و چپ و کمونیزم کارگری پرچمدار آن بوده است توجه ها را دارد به سمت خود جلب میکند. این توجه ها سرآغاز تحولی است که بخش پیشرو و چپ جوامع غربی کمونیزم کارگری و رهبران و سخنگویان این جنبش و حزب آن را بیش از پیش ببینند و به آن رجوع کنند. روزی منصور حکمت گفت رفقا تعجب نکنید اگر روزی

عکس شما را روی جلد نشریات معتبر و مهم دنیا چاپ کنند. امروز کم و بیش نمونه هایی از آنرا داریم میبینیم. من امروز میخواهم بگویم اگر ما بجنبیم و اگر جنبش عظیم اجتماعی امروز در ایران، مبارزات زنان، کارگران، دانشجویان و جنبش خلاصی فرهنگی و جنبش ضد مذهبی را تحت پرچم رادیکال و کمونیستی سازمان بدهیم و در نقش حزب سیاسی قدرتمند رهبری بخش قابل توجهی از این اعتراضات باشیم، شک نکنید قدم به قدم در انظار جامعه به مرجع قابل اعتماد مردم ایران تبدیل میشویم. برای رسیدن به این موقعیت باید تلاش هرکولی انجام داد. و امروز زمان آن تلاشهاست.

ما باید در هیبت حزبی که اشتهای عروج به رهبری مبارزات را دارد ظاهر شویم. اگر ما در عمل بتوانیم حزب رهبر اعتراضات و مورد اتکای آنها باشیم و بویژه اگر بعد از سرنگونی حکومت اسلامی منشا اثر مثبت در زندگی مردم باشیم، شک نکنید که کمونیزم از نوع ما در دنیا عروج خواهد کرد و صدها سازمان و حزب شبیه ما ساخته خواهد شد. برای ورود بشریت به یک دنیای انسانی و شایسته انسان این روزنه ها همچنان باز است و باید با اشتها و اعتماد بنفس و سازش ناپذیر وارد همه این جدالها بشویم!

از یک رهبر کارگری اخیرا شنیدم که گفت وقتی مرا محاکمه میکردند، من آنها را محاکمه کردم و به قاضی مفت خور اسلامی اجازه ندادم دهان باز کند.

گفت بازجوهای ما اخیرا در اطاق بازجویی از من و بسیاری از کارگران دستگیر

اصغر کریمی

کنگره حزب شما!

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری از حزبی تصویر میدهد که حضور چشمگیری در جامعه دارد، خشم و اعتراض مردم را نمایندگی میکند و به سرتاپای وضع موجود اعتراض دارد. حزب دخالتگری که به همه نابرابری ها و ستم ها کار دارد و در آنها دخالت میکند. از بیحقوقی کودک تا فقر معلم، از دخالت مذهب در زندگی مردم تا تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن، از استثمار و بیحقوقی کارگر تا به بند کشیدن نویسندگان و فعالین سیاسی و اجتماعی، از وضعیت تن فروشان تا معتادان و وضعیت غیر انسانی تحمیل شده به کولبران، از قوانین قصاص و مجازات اعدام و سیستم قضایی ضد انسانی تا تبعیض برحسب تمایلات و گرایشات جنسی، از دخالت در مسائل مربوط به محیط زیست تا کمک به مردم فراری از جمهوری اسلامی و کمک به سیل زدگان و زلزله زدگان. و همینطور از مقابله با اصلاح طلبی تا هرنوع سازشکاری با جمهوری اسلامی و سیستم و قوانین آن، از افشای انواع ناسیونالیسم و قومپرستی و تلاش آنها برای ایجاد تفرقه میان مردم معترض تا سایر گرایشات ارتجاعی و عقب مانده سیاسی و فرهنگی. و مهمتر از آن حضور فعال و روزمره در مبارزاتی که علیه همه ستم ها و نابرابری ها جریان دارد و یا مبارزه فعال در خارج کشور علیه حضور مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی و جلب همبستگی جهانی با مردم ایران. همینطور تلاش هرروزه برای



انعکاس مبارزات کارگران و مقابله مردم در زمینه های مختلف علیه حکومت و وضع موجود در رسانه های حزبی و غیر حزبی. هر کس گزارشات حدود پانزده نفر از مسئولین حزبی که هر کدام تمرکزشان بر عرصه خاصی از فعالیت است را گوش کرده باشد، متوجه میشود که این حزب بعنوان حزب سیاسی طبقه کارگر و حزبی علیه هر نوع نابرابری و تبعیض چگونه نبضش با مردم و مبارزات مردم میزند. حزبی که در عرصه های مختلف مبارزه و در بطن اعتراضات حضور دارد و طبقه کارگر و مردم محروم از همه چیز، و معترض به همه چیز را نمایندگی میکند.

کنگره های حزب کمونیست کارگری علنی است و هر علاقمندی میتواند در آن شرکت کند و احزاب و سازمانها و رسانه های چپ و راست به آن دعوت میشوند، بر خلاف احزاب و سازمانهای بورژوازی که اساسا یا کنگره و انتخاباتی ندارند و رهبر در آنها بر اساس ژن برتر و مذکر یا

کنگره های حزب بسیار برجسته و مشهود است. مخصوصا در سالهای گذشته نسل جوان بیشتر به حزب روی آورده و کادرهای جوان دارند جای ویژه تری در حزب پیدا میکنند. هرکس کنگره های احزاب بورژوازی را نگاه کند از زاویه سنی و جنسیتی هم تفاوت بارزی میان ما و آنها خواهد دید. نسل جدیدی که با انرژی و خلاقیت در حزب و سازمان جوانان حزب دارد جلو میاید یک نقطه قوت مهم حزب ما است.

فرهنگ بالای سیاسی، رفتار متمدانه و منصفانه موقعی که اختلاف نظری وجود دارد و در عین حال اتحاد بالایی که حول اهداف انسانی و سوسیالیستی و یک خط سیاسی روشن بین و رادیکال در حزب کمونیست کارگری وجود دارد، نقطه قوت دیگر حزب ما است.

این ویژگی ها اما محصول اهدافی انسانی و خط و جهت و دیدی است که حزب نسبت به جامعه و مبارزه طبقاتی دارد، و از بدو تشکیل حزب بر آن حاکم بوده است، و این مهمترین خصیصه حزب ما است. کمونیسمی متفاوت و قرن بیست و یکمی، انسانی، مدرن، آزادیخواه و برابری طلب، نه فقط مربوط به ایران بلکه مربوط به دنیای معاصر و دوران معاصر که روندهای سیاسی دنیای معاصر را میشناسد، نقاط گرهی و جدال های طبقاتی این دوره را به خود مربوط میداند، تجزیه و تحلیل میکند و راه خود را به جلو باز میکند. تحرک میدانی و دخالتگری حزب در زمینه های بسیار متفاوت مبارزه ناشی از نگرش خاص این حزب است. در نگرش ما همه تبعیضات و ستم ها و نابرابری ها محصول جامعه سرمایه داری است و مبارزه علیه این

مصائب هر روز و هر لحظه گاه آشکار و گاه پنهان ادامه دارد و همه این مبارزات اجزاء یک مبارزه طبقاتی همه جانبه است که باید در آنها شرکت کرد. هیچ عرصه ای از مبارزه حق طلبانه مردم نیست که ما فکر کنیم به ما مربوط نیست مگر جایی نیرویی برای دخالت نداشته باشیم. حزبی که با شهامت نوآوری میکند و با زمان جلو میاید و به همین دلیل به این دنیا و این قرن مربوط است. ایده هایی که در سنت چپ کفر شناخته میشود و سیلی از مخالفت با آن شروع میشود توسط این حزب و رهبری آن مطرح میشود، اما با گذشت زمان حقانیتش برای بخش بیشتری روشن میشود. از مارکسیسم انقلابی تا کمونیسم کارگری، از بحث حزب و جامعه تا حزب و قدرت سیاسی، از بحث سلبی و اثباتی تا ضرورت برنامه داشتن و تدوین برنامه، از ضرورت تحزب و ایجاد حزب تا نگرش به کارگر بعنوان موجودی اجتماعی، از تبیین عرصه های مختلف مبارزه بعنوان عرصه های مختلف نبرد کمونیستی و نه "دمکراتیک" و حاشیه ای تا علنیت و شفافیت در فعالیت سیاسی و حزبی تا بعنوان مثال تلاش برای چهره دادن به جنبش کارگری یا در واقع برجسته کردن و مطرح کردن فعالین کارگری، همه اینها با مخالفت اولیه بخش قابل توجهی از کسانی که خود را چپ میدانند مواجه شده و بتدریج مقاومت ها کنار رفته و با گسترش نفوذ این ایده ها و سیاست ها در جامعه و در میان فعالین سیاسی و اجتماعی، حقانیت این جهتگیری ها و سیاست ها برای طیف وسیعتری روشن شده و ادبیات حزب در

از صفحه ۳

کنگره حزب شما!

بسیاری زمینه ها به ادبیات رایج و حاکم درآمده است. این نقطه قوت اساسی است که حزبی قدرتمند و اجتماعی و موثر در حیات سیاسی جامعه شکل داده است. گزارشات مسئولین حزب در کنگره که بدلیل ضیق وقت بسیار فشرده و ناقص بیان شدند، تصویر حزبی بسیار فعال و موثر را به نمایش میگذارد که ادامه و در واقع به عمل درآوردن متد و جهتگیری ویژه ای که بر حزب حاکم است و این رمز موفقیت و پیشروی حزب است.

با اتکا به این نقاط قوت، تلاش هرروزه برای مقابله با کمبودها و ضعف های حزب جریان دارد تا حزب و این کمونیسم ویژه، به انتخاب جامعه تبدیل شود. طیف وسیع اعضا و کادرهای حزب در ایران و در خارج کشور با انرژی قابل ستایشی در حال شکل دادن به تحولی سرنوشت ساز در جامعه ایران هستند و باید با اعتماد بنفس هر چه بیشتر، یکدل و یکپارچه در جامعه ای که تحولات مهمی را از سر میگذرانند، نقش تاریخی خود را به رسمیت بشناسند و این نقش را ایفا کنند.*

**به حزب
کمونیست
کارگری
ایران
پیوندید**

از صفحه ۱

لبنان: قیام علیه باندهای فاسد قومی مذهبی

منتسب به شیعی در جنوب آن کشور دزد خطاب می شود. مردم لبنان بویژه شیعیان این کشور، حزب الله و شخص "حسن النصرالله" را یکی از عوامل اصلی فقر و بدبختی مردم می دانند و این را بوضوح در شعارهای خیابانی خویش به نمایش گذاشته اند. در دل این اعتراضات، مردم خشمگین لبنان به شماری از دفا تر و مقرهای نیروهای حزب الله حمله کرده و چندین خودروی نظامی آنان را به آتش کشیدند. حسن النصرالله در یک مصاحبه تلویزیونی و در واکنش به این وقایع گفت "می توانید مرا لعنت کنید برایم مهم نیست".

نطفه دولت های "موزائیکی" قومی مذهبی از همان بدو اعلام استقلال این کشور از طرف دولت امپریالیستی فرانسه در سال

۱۹۴۲ بسته شد. طبق قانونی پست ریاست جمهوری به "مسیحیان مارونی" و پست نخست وزیری به اقلیت مسلمان واگذار گردید و "دوروزی" ها نیز نهادهایی را در اختیار گرفتند. با جنگ موسوم به جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و هجوم بیش از یک میلیون آواره فلسطینی به این کشور و ایجاد پایگاه های ارتش آزادیبخش فلسطین و در پرتو دوران جنگ سرد، عملاً این کشور به محل زورآزمایی شرق و غرب تبدیل شد که در نهایت به جنگ داخلی پانزده ساله این کشور انجامید. نیروهای طرفدار غرب و اسرائیل یعنی مسیحیان مارونی مشهور به فالانژیست ها و دوروزی های متحدش از یک طرف و اتحاد نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین و چپهای آنجا به رهبری جرج حبش و احمد جبرئیل باضافه حزب الله

و سازمان امل در طرف دیگر قرار گرفتند. و به این ترتیب مهر قومی و مذهبی بر لبنان و یک میلیون آواره

کشمکش های سیاسی لبنان جنگی، ظاهراً دوره ای از ثبات و آرامش برقرار گردید. دوره ای که بجای تخاصم های نژادی-مذهبی دوره تخاصم طبقاتی دولت سرمایه داری فاسد لبنان و نه در صدی های جامعه مدرن و بیدار لبنان را به نمایش گذاشت. عروج نسلی مصمم و آگاه که به هیچ چیز جز جامعه ای آزاد و انسانی تن در نمی دهد و با قرق کردن خیابانهای بیروت و طرابلس و نیابیه، پرچم این راهی را بر افراشته تا نشان دهد که از روی نعلش حزب الله و فالانژیست ها و همه باندهای گنگستر حاکم رد خواهد شد و طلیعه دورانی نوین را بشارت خواهد داد. همزمان جنبش آزادیخواهانه مردم لبنان و عراق در عین حال نه تنها افول و سقوط جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یکی از جنایت آفرینان این منطقه نشان داده بلکه عملاً آنرا تسریع نیز کرده

با کشته شدن بیش از یک صد هزار نفر در جنگ داخلی لبنان و یک میلیون آواره

از صفحه ۲

برای آینده ای روشن و آزاد و برابر

شده میپرسند فکر میکنید بعد از ما چه کسانی قدرت را میگیرند و ادامه میدهند، شاهی ها یا شما چپ ها؟
رفقا!

کنگره ما در شرایطی برگزار میشود که آب تا اطاقهای بازجویان رژیم اسلامی رفته است. بحث آلترناتیو و آینده ایران در خانه رهبران این حکومت یک بحث رایج است. آینده ایران آیا بازگشت به عقب و یا یک آینده سوسیالیستی با رفاه و پیشرفت برای همه خواهد بود این سوالی است باید به آن پاسخ عملی و اجتماعی داد. این روزها شاهد آخرین

شعبده بازیها از سوی کسانی بودیم که رویای ممنوعه چلبی شدن در ایران را دارند. در دنیایی که چلبی سازان خود دچار بحران هستند، این امکان پذیر نیست. اینها که در هیچ حرکت اعتراضی و مبارزه ای در طول سالیان، ملاقاتشان نکرده ایم، این بار از موضع "مدیریت دوره گذار" می فرمایند مردم ایران حتی لایق دمکراسی پارلمانی نیستند و فعلاً باید صبر کرد. کسانی که در چهل سال گذشته جایگاه و پایگاهی نداشته اند بجز اتکا به قدرتهای خارجی و انتظار یک دست غیبی، خودشان هم میدانند در آینده ایران کاره ای نیستند. با بیانیه و ادعا هم نمیتوانند سحر و جادو بکنند. قبلاً شورای همکاری و دمکراسی و فرشگرد و ققنوس و غیره، این بازار مکاره را دیدیم. اینها را هم میشناسیم. همه اینها در قطب راست جامعه تلاشهای دوره گذار است. آنچه پا بر جا است مبارزه توده های میلیونی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و جدال چپ و راست برای هژمونی پیدا کردن در جنبش اعتراضی مردم است. دو جنبش با دو پرچم با دو افق و با دو آینده. یکی میخواهد بساط چپاول را با اتکا به همین نیروهای سرکوبگر فقط بدون آخوند ادامه بدهد و یکی میخواهد کل این بساط تبعیض و نابرابری و چپاول را از بین ببرد و دنیایی آزاد و برابر برای همه شهروندان بر پا کند. جدال از روز اول این بوده امروز همین است فردا هم همین خواهد بود. ما باید در این جدال در قدم اول جمهوری اسلامی

**به حزب
کمونیست
کارگری ایران
کمک مالی
کنید**

قرار مصوب هیئت اجرائی حزب کمونیسست کارگری ایران

درمورد انتساب فعالین
به حزب و سازمان
جوانان حزب توسط
جمهوری اسلامی
تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۹۸
(۳ سپتامبر ۲۰۱۹)

اخیرا بیدادگاه ها و پلیس
امنیتی رژیم اسلامی بازهم
فعالینی را در داخل کشور
به حزب کمونیسست کارگری
منتسب کرده است. قصد
جمهوری اسلامی آشکارا
پرونده سازی و امنیتی
کردن فضای فعالیت سیاسی
و صنفی در جامعه است.
حزب کمونیسست کارگری این
تشبثات جمهوری اسلامی
را همچون گذشته محکوم
میکند و اعلام میدارد:

۱) عضویت در هر حزب
سیاسی و فعالیت سیاسی
حق مدنی هر فرد است.

۲) حزب کمونیسست
کارگری در شرایط کنونی
انتساب افراد و فعالین
سیاسی داخل کشور به این
حزب توسط ارگانهای
امنیتی رژیم را تکذیب و یا
تایید نخواهد کرد.

۳) حزب کمونیسست
کارگری تمامی کارگران و
انسانهای شریف را به
عضویت در حزب
فرامیخواند.

به امید آن روز که
انقلاب میلیونی کارگران و
مردم به جان آمده جمهوری
کثیف اسلامی را کاملاً ریشه
کن کند و جامعه ای را بنا
گذارد که در آن همگان
از آزادی های بی قید و
شرط سیاسی، و حق تشکل
و تحزب برخوردار باشند. *

وارد میکنند و یا صاحب خانه
ها از نصاب ها چنین تقاضایی
میکند. کانال جدید اینقدر
عادی شده که حتی در برخی
اماکن عمومی از جمله در
فروشگاهها دستجمعی به آن
نگاه میکنند. عضویت در
حزب را هم باید چنان
گسترش داد و عمومی کرد
که بتدریج مثل نگاه کردن به
برنامه های کانال جدید شود و
عملاً سیاست سرکوبگرانه
حکومت خنثی شود. این یکی
از مهمترین و کلیدی ترین
خواست ها و نیازهای سیاسی
جامعه است. حزب کمونیسست
کارگری حزبی شناخته شده
است و اهداف و سیاست
هایش گسترش زیادی در
جامعه یافته است بطوری که
مقامات حکومت هم اینرا
اعتراف میکنند. اما عضویت
در حزب هنوز بدلائل مختلف
که مهمترین ممنوعیت آن
است، توده ای نشده است.
مردم در ابعادی وسیع و
اجتماعی باید انتخاب سیاسی
و حزبی کنند و بدینطریق
عضویت در حزب آتقدر وسعت
پیدا کند که به یک امر عادی
در جامعه تبدیل شود. باید
همه جا درمورد حزب و
سیاست های صحبت کرد، با
آن تماس گرفت، همکاری
کرد، حزب را به دیگران، از
اعضای خانواده تا دوستان و
همکاران، معرفی کرد، عضو
شد و دیگران را هم به
عضویت در حزب تشویق کرد.
انتخاب اجتماعی حزب نه تنها
تضمین بیشتری برای یک
آینده موفق و انسانی خواهد
بود بلکه همچنین روند متحد
شدن، خوشبینی به سرنگونی
حکومت و کم هزینه کردن
انقلاب و سرنگونی را تقویت
کرد.*

کمک مالی

راد ۱۰۰۰ یورو

حکومت میدهد و شرایطی را
در نظر نمیگیرد که زندانی بنا
به شرایط و روحیه خودش با
سر بلند از عضویتش در حزب
دفاع میکند. ۴۵ سال قبل
یک انسان انقلابی مثل
گل سرخی در بیدادگاه حکومت
شاه از خود دفاع ایدلویژیک
کرد و از حقانیت خود دفاع
کرد. قطعاً به دوره ای نزدیک
میشویم که زندانی با شهامت
و در دادگاه حکومت اعلام
کند که بله عضو حزب هستم
و مردم را هم به عضویت در
حزب فرامیخوانم. الان بیش
از هر زمان فعالین کارگری یا
دانشجویی و غیره دارند در
بیانیه هایشان از حق عضویت
در احزاب دفاع میکنند، حزب
باید این جهت را در جامعه
تقویت کند. سیاست تکذیب
این روند را تقویت نمیکند و به
نوعی عضویت در احزاب را
تابو میکند. سیاست نه تایید
میکنیم نه تکذیب از نظر
اصولی و سیاسی موضع
درست تری است.

قرار حزب علاوه بر این نکته
محوری، پرونده سازی دستگاه
قضایی و امنیتی حکومت علیه
فعالین سیاسی را شدیداً
محکوم میکند و اعلام میکند
که عضویت در هر حزب
سیاسی حق مردم است و
مردم را به عضویت در حزب
فرامیخواند. یک پاسخ کارساز
و مهم به تشبثات حکومت
گسترش عضویت در حزب
است. حکومت هیچوقت
حاضر به دادن این حق به
مردم نیست. این را باید مثل
خیلی چیزهای دیگر به
حکومت تحمیل کرد. مردم
بسیاری از چیزها را به
حکومت تحمیل کرده اند از
جمله به درجاتی حق اعتصاب
و تجمع و یا داشتن ماهواره و
دسترسی به تلویزیون کانال
جدید را. حتی نصاب ها
اتوماتیک مشخصات کانال
جدید را در رسیورهای مردم

یک ساعت از ادعای این مقام
حکومت نگذشته بود و حتی
ما از این مساله مطلع نبودیم
تا اینکه برای مصاحبه با من
تماس گرفته شد و باید به
سوال در این زمینه پاسخ
میدادم. بعداً در هیئت اجرایی
حزب صحبت کردیم که
درست نیست هر کس را رژیم
به حزب منتسب کرد،
صرفنظر از اینکه پرونده سازی
باشد یا واقعی باشد، تکذیب
کنیم. روشن است که در
شرایطی که عضویت در احزاب
سرنگونی طلب و مشخصاً
حزب کمونیسست کارگری
ممنوع است و مجازات دارد،
تایید عضویت افراد توسط
حزب هم موضوعیت ندارد.

اما چرا تکذیب نمیکنیم؟
آیا این به نفع فعال زندانی
نیست؟ مطلقاً. تکذیب ما هیچ
کمکی به فعال زندانی
نمیکند. اگر قرار باشد در هر
موردی انتساب افراد به حزب
را، صرفنظر از اینکه عضو
حزب باشند یا نباشند، تکذیب
کنیم، این دیگر معنی اش این
نیست که واقعا آن فرد عضو
حزب نیست چون همه از
جمله دستگاه قضایی حکومت
یک سیاست یکسان و عمومی
را میبینند که قرار است حزب
درمورد همه بگوید. قرار حزب
مبنی بر اینکه نه تایید میکنیم
نه تکذیب هم خنثی است و
اطلاعاتی به حکومت نمیدهد
و در واقع دارد میگوید به
حکومت ربطی ندارد. سیاست
تکذیب یک سیاست دفاعی
است در حالیکه قرار حزب
تعرضی است و ما را با هیچ
تناقضی مواجه نمیکند و
مطلقاً مشکلی هم برای فرد
زندانی ایجاد نمیکند. تکذیب
میکنیم رو به جلو نیست و
یک بار منفی دارد و بخواهی
نخواهی نگرشی گناهکارانه از
حق مردم برای عضویت در
حزب و کلا احزاب مخالف

پرسش از اصغر کریمی درمورد انتساب فعالین سیاسی به حزب توسط دستگاه سرکوب حکومت

انترناسیونال: هیئت اجرایی
حزب در مهر ۹۸ (سپتامبر
۲۰۱۹) قرار ی درمورد
انتساب فعالین به حزب و
سازمان جوانان حزب توسط
جمهوری اسلامی تصویب کرد
مبنی بر اینکه "حزب در
شرایط کنونی انتساب افراد و
فعالین سیاسی داخل کشور به
این حزب توسط ارگانهای
امنیتی رژیم را تکذیب و یا
تایید نخواهد کرد". هدف از
انتشار این قرار چیست؟

اصغر کریمی: این قرار علاوه
بر بندی که شما اشاره کرده
اید دو بند دیگر هم دارد که
در ادامه به اهمیت آنها اشاره
خواهم کرد اما هدف تصویب و
انتشار این قرار اساساً همان
نکته ای است که شما به آن
اشاره کرده اید. این قرار مدت
کوتاهی بعد از اینکه رئیس
کمیسیون امنیت مجلس
اعلام کرد که اسماعیل بخشی
عضو حزب کمونیسست کارگری
ایران است و بدنبال آن چند
نفر دیگر از فعالین دستگیر
شده نیز توسط نهادهای
امنیتی رژیم به حزب مرتبط
شدند، مطرح شد. قبل از آن
حزب چنین قراری نداشت.
اگر قبلاً این قرار را داشتیم
درمورد اسماعیل بخشی هم
همین را میگفتیم. موقعی که
رادیو فرانسه با من تماس
گرفت تا درمورد ادعای رئیس
کمیسیون امنیت مجلس
مبنی بر عضویت اسماعیل
بخشی در حزب کمونیسست
کارگری مصاحبه کند، فرصتی
برای تصویب چنین قراری
نداشتیم. فکر میکنم حتی

نمایشگاه کتاب فرانکفورت: رودرویی حزب کمونیست کارگری و جمهوری اسلامی

نمایشگاه کتاب فرانکفورت هر سال در اوایل اکتبر با حضور هزاران نفر برگزار میگردد. این نمایشگاه یک مرکز مهم تبادل نظر و افکار است و همچنین محلی است که در آن به بررسی مسائل سیاسی جاری پرداخته میشود. یکبار چهره اصلی نمایشگاه سلمان رشدی، بار دیگر نگاهی به نحوه فروش کتاب در آمریکای لاتین، و این بار تمرکز بر کشور نروژ بود و اینکه چگونه این کشور قادر شد نسل جوان را کتابخوان کند. کدام روشها و سوبسیدهای دولتی بکار گرفته شد و به چه نحوی از تکنولوژی مدرن و اینترنت و تلفن همراه استفاده شد تا جوانان را در دنیای مجازی به شوق آورند که بیشتر کتاب بخوانند. و بلاخره چگونه در این راه موفق شدند.

امسال فضای نمایشگاه کتاب از گرتا تورنبرگ و جنبشی که او در دفاع از محیط زیست در دنیا دامن زد، متأثر بود. هر سال در کنار موضوعاتی که در این نمایشگاه مورد توجه حاضرین قرار میگیرد یک مساله دیگر پیوسته جنجالی بوده است؛ تقابل حزب کمونیست کارگری ایران و جمهوری اسلامی. فعالین حزب هر سال در این نمایشگاه حضور میابند و در مقابل نمایندگان حکومت فاشیست، سانسورچی و برنده زبانهای منتقدین، یعنی حکومت اسلامی قرار میگیرند. هر بیننده منصفی میتواند تایید کند که این نمایشگاه محل درگیری حزب کمونیست کارگری و حکومت اسلامی بوده است و امسال بیش از پیش این تقابل دیده میشود. فعالین حزب با پربای نمایشگاهی از جنایات جمهوری اسلامی، غرفه اطلاع رسانی و میز کتاب، هم در داخل و هم بیرون نمایشگاه، به مدت پنج روز افشاگری کردند. علیه زن ستیزی، کارگر ستیزی و علیه اعدام ها یعنی آدمکشی دولتی و همچنین در دفاع از زندانیان سیاسی اطلاع رسانی کردند. بیش از نیم میلیون نفر از این نمایشگاه بازدید کردند و هزاران نفر این عکسها و این افشاگریها را شنیدند و دیدند و از مبارزات مردم ایران پشتیبانی کردند و این فعالیت ها را مورد حمایت قرار دادند.

شرکت کنندگان در غرفه حکومت اسلامی همواره از وحشت حضور فعالین حزب بخود می پوچیدند. مقامات حکومت اسلامی بارها به مسئولین نمایشگاه متوسل شدند که جلوی افشاگریهای فعالین حزب را بگیرند. فعالین حزب در مقابل اما، خواهان اخراج حکومت اسلامی از نمایشگاه کتاب شدند و مباحثات مسئولین نمایشگاه با این جانبان را یک افتضاح سیاسی اعلام کردند و به آن اعتراض کردند.

امسال فضای نمایشگاه در مورد جنبش اسلامی، اسلام سیاسی و حکومت اسلامی



شهناز مرتب پنج روز جدال و مبارزه علیه حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت

قوانین قرون وسطایی ضد زن در ایران و سایر کشورهای اسلام زده از جمله جنایات طالبان در افغانستان، داعش در سوریه و عراق و بوکا حرام به جوانب مختلف جنایات جمهوری اسلامی در جامعه نیز پرداخته شده بود. به وضعیت زندانیان سیاسی و هزاران زندانی سیاسی از جمله اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و دستگیری فعالین زن علیه حجاب اجباری و دختران خیابان پرداخته شد.

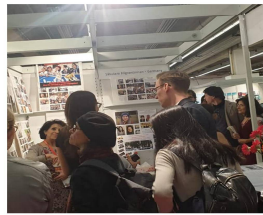
اطلاع رسانی در مورد روز جهانی علیه حجاب اجباری یعنی 27 دسامبر (ششم دیماه) نیز یکی دیگر از مواردی بود که در این غرفه به آن پرداخته شد. اخبار حضور این برنامه در برخی از نشریات آلمانی و و همچنین در رادیو فردا انعکاس یافت.

پس از بازتاب خبر حضور ما در نمایشگاه بین المللی کتاب که سالهای پی در پی هم صورت گرفته است و امسال نیز سازمان یافته تر و موثرتر صورت گرفت، تماس های زیادی از ایران و خارج کشور داشتیم که ما را مورد حمایت قرار دادند. همینجا اعلام کنم ما به این حمایت ها ارج میگذاریم و آنرا مایه دلگرمی و پشتوانه ای برای ادامه فعالیت های مان علیه حضور جمهوری اسلامی در خارج کشور و مجامع فرهنگی و بین المللی خواهیم کرد.*

در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین المللی کتاب، تشکل زنان سکولار مهاجر اقدام به برپایی غرفه ای در جوار سالی که غرفه جمهوری اسلامی در آن قرار داشت، کردند. عبارت " زنان سکولار مهاجر" که بر بالای غرفه نصب شده بود توجه بسیاری از بازدیدکنندگان و مطبوعات را بخود جلب میکرد.

در غرفه زنان سکولار مهاجر سکولار نمایشگاه عکسی از چهل سال مبارزه زنان در ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران با زیر نویسهای انگلیسی و فارسی دیده میشد. این نمایشگاه که با عکس های دختران خیابان انقلاب و تصاویری علیه حجاب اجباری مزین شده بود مورد توجه بسیار قرار گرفت.

این غرفه بازدیدکنندگان بسیاری داشت. بازدیدکنندگان علاوه بر گفتگو با برگزارکنندگان غرفه به تهیه گزارش و عکس مبادرت میکردند. افشاگری علیه قوانین ضد زن و توحش آشکار جمهوری اسلامی نسبت به زنان بسیاری را بسمت غرفه سوق میداد. در این غرفه علاوه بر نمایش عکس و افشاگری از



از صفحه ۶

نمایشگاه کتاب

ایران بسیار متفاوت تر از قبل بود. اکثریت بازدیدکنندگان با ابراز انزجار از حکومت اسلامی از حرکت دختران خیابان انقلاب و از کارگران رزمنده پیشتیبانی کردند. علیه اعدام ها در ایران ابراز انزجار کردند و از خواست مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی آشکارا حمایت میکردند.

یک موضوع مهم دیگر در این نمایشگاه برگزاری کنفرانسی با حضور مینا احدی و فلورین چفایی در روز شنبه ۱۹ اکتبر بود. مجری این کنفرانس نویسنده آلمانی نادین پونگس بود. در این کنفرانس که با استقبال بسیار روبرو شد در مورد آینده ایران بحث و گفتگو شد. سوالات اساسا در مورد فضای سیاسی ایران، خواستههای مردم، مبارزات زنان و کارگران و مبارزه سکولاریستی و ضد مذهبی در ایران بود. از مینا احدی پرسیدند که کدام سیاست درست است؛ سیاست ترامپ و یا سیاست اتحادیه اروپا. موضوع دیگری که طرح شد این بود که آیا در ایران رهبری وجود دارد که مبارزات را هماهنگ کند و نقش متحد کننده را داشته باشد. سؤال میشد که ایوبوسیون در چه وضعی است و آیا سرنگونی حکومت اسلامی منجر به سوریه دیگری نخواهد شد؟

مینا احدی در پاسخ به این سوالات که در حقیقت مهمترین سوالات مطرح در جامعه آلمان در باره ایران و آینده آن است، پاسخ داد. *

نیما ابراهیم زاده ، فرزند عزیز همه ما مردم درگذشت

خانواده در کنار انسانهای بزرگی است که بخاطر دفاع از آزادیخواهی و انسانیت زندانی میشوند و هم اکنون نیز در زنداند.

مرگ نیما دردناک است و این درد را با هیچ واژه ای نمیتوان بیان کرد. اما خانواده این عزیز در حلقه همبستگی های انسانی قرار دارد که ابعادش جهانی است. میخواهم بگویم زبیده و نیما هیچگاه تنها نماندند. این عزیزان همواره در حلقه همبستگی کارگری که یکسرش ایران است و سر دیگرش در اقصاء نقاط جهان، قرار داشتند. همیشه منزل آنها و بیمارستان محک محل دیدارهای دسته جمعی بخش های مختلفی از کارگران و مردم معترض در حمایت از نیما و زبیده عزیز بود. و این حمایت ها و همدلی ها تا آخرین لحظات زندگی این فرزند عزیزمان ادامه داشت و همچنان ادامه خواهد یافت.

معنای واقعی این همبستگی ها ارج گذاشتن بر مبارزات انسانی بهنام ابراهیم زاده و آرمان های انسانی اوست که روزهای دشواری را پشت سر میگذارد. جنایتکاران جمهوری اسلامی با بهنام کاری کردند که وقتی نیمای عزیز به سرطان ابتلاء پیدا کرد با زندانی کردن او نگذاشتند کنار فرزند بیمارشان باشد و با این کار او و نیما را شکنجه و آزار دادند. و آن فاصله های کوتاهی هم که بهنام بصورت موقت از زندان آزاد میشد، با پیگرد دائم و

احضار کردنها مرتباً تحت فشار روحی قرار داشت و هر روزه سم استرس نگرانی بر رگهای این خانواده وارد میشد. جانبان حکومت اسلامی بیشرمی را حتی به جایی رسانده بودند که هر گاه با صدای اعتراض و حق طلبی نیما هنگامیکه بزرگتر شده بود، روبرو می شدند، از او هم نگذشته و علیرغم بیماری بارها وی را تهدید به دستگیری کردند. ادامه این ماجرای درد آور تایید حکم شش سال زندان مجدد توسط بیدادگاه فرجام جمهوری اسلامی به بهنام بود. تا جاییکه او از نگرانی اینکه دوباره بازداشت نشود با توافق نیمای عزیز ناگزیر شد از نیما دور شود و تلاش کند راهی برای نجات فرزندش بیابد. بدین ترتیب حتی این پدر و فرزند نتوانستند در آخرین لحظات کنارهم باشند و از گرمی مهر و محبت یکدیگر انرژی بگیرند. واقعا ننگ عالم بر جنایتکاران جمهوری اسلامی!

در آخر من بعنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی میخواهم خاطره ای از اولین گفتگویم با نیمای عزیز را بازگو کنم. او یازده سال بیشتر نداشت. به سختی شماره شان را جستجو کردم و تماس گرفتم و گفتم از طرف کمپین با آنها صحبت میکنم. نیما با کنجکاوی تلفن را از دست کسی که شماره اش را گرفته بودم قاپ زد و کنجکاوانه پرسید شما اسمتان چیست.

خودم را معرفی کردم. گفتم ما برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکنیم و خبر دستگیری پدرت را به همه جا فرستاده ایم. ما فشار می آوریم که او و همه کارگران زندانی آزاد شوند. با کشیدن آهی گفت: "خاله دوستان دارم. اما بدانید من هم کلاس کاراته میروم. وقتی رفته بودم دیدن بابا زندانبان بدجوری نگاه میکرد، با خودم فکر کردم اگر کمی بیشتر کاراته یاد بگیرم میتوانم آنچنان به پایش بزنم که نتواند بلند شود." این گفته او در ذهنم حک شد. و الان میخواهم بگویم. آرزوی نیما، آرزوی همه ما مردم است. درگذشت او تکانی به همه ما مردم بود. تکانی برای متحد کردن بیشتر صف آزادی خواهی و انسانیت و برای گشودن در زندانها. نیما را از دست دادیم. قلب همه ما را به درد آورد. اما شکی ندارم که ارتعاش چنین تکان هایی همچون سیلی ای بر صورت حکومت خواهد خورد. در زندانها را باز خواهیم کرد. یاد نیمای عزیز را با فریاد نه به زندان و شکنجه و با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در همه جا و در سطحی سراسری گرامی بداریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

شهلا دانشفر

۲۹ مهر ۹۸

۲۱ اکتبر ۲۰۱۹



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

به یاد نیما ابراهیمزاده بزرگ مرد کوچکی که عزیز همگ ما بود!

درگذشت جان‌گداز نیما، برای مادرش زبیده حاجی‌زاده و پدرش بهنام ابراهیم‌زاده و هزاران عمو و خاله‌اش در سراسر جهان، برای همه فعالین کارگری برای همه مدافعین زندانیان سیاسی و حق کودک، کابوسی بود که عاقبت به حقیقت پیوست. هیچ جمله‌ای سنگینی این غم دردناک را نمی‌تواند بیان کند.

شکوفه‌های خزان زده زندگی کوتاه نیما راعفریت سرطان با خود برد. او فقط ده ساله بود که سرطان به سراغش آمد و ۹ سال در جدالی نابرابر با این هیولا دست و پنجه نرم کرد. همه این سالهای سخت و طاقت‌فرسا را در اضطراب بی پایان فشارهای امنیتی بر پدری که جز عشق به آزادی و مبارزه برای برابری و رهایی کارگران از شر سرمایه‌داری، نجات کودکان کار و خیابان، سودایی در سر نداشت گذراند. باید پدر را یا پشت میله‌های زندان ملاقات می‌کرد یا در حال بدرقه به زندان در پایان مرخصی کوتاهی که برای دیدار او به بیمارستان محک آمده بود.

نیما در بستر بیماری به حضور پدر نیاز جدی داشت. پدری که در زندان گهردشت و اوین یا تحت بازجویی بود یا در یورش مأموران امنیتی به بند زندانیان سیاسی زخمی و مجروح ممنوع الملاقات شده بود. یورش وحشیانه مأموران امنیتی به خانه محقرشان و به هم ریختن اسباب و وسایل زندگی‌شان و تهدید و احضار و بازجویی از آنها و دستگیری پدر، ضربه‌های سنگینی بود

که بیماری او را از آنچه بود بدتر و سخت‌تر می‌کرد.

جمهوری اسلامی برای انتقام از بهنام ابراهیم‌زاده، نیمای بیمار را هدف گرفته بود و او را از بودن در کنار بستر بیماری تنها فرزندش محروم می‌کرد و این ضربات روانی، بیماری نیما را دو صد چندان به وخامت می‌کشاند.

مرگ نیما گوشه‌ای از تراژدی دردناک هزاران خانواده زندانی سیاسی است که همراه با عزیز زندانی‌شان شکنجه می‌شوند و برای همیشه آسیب می‌بینند. بیرحمی دستگاه امنیتی اما پایانی نداشت. پس از یک مهلت کوتاه از آزادی بهنام، به "جرم" کمک به زلزله‌زدگان سرپل‌دهاب دوباره به سراغش آمدند تا با پرونده سازی و پاپوش دوزی همیشگی شش سال دیگر او را به جرائم واهی به زندان ببرند. نیمای بیمار که دیگر بشدت ضعیف‌تر از همیشه شده بود باز هم از بودن با پدر محروم شد!

بهنام ابراهیم‌زاد را مجامع کارگری معتبر بین‌المللی در سراسر جهان می‌شناسند و از بیماری خطرناک تنها فرزندش مطلع بودند و بارها جمهوری اسلامی را بخاطر رفتار عمیقاً ضد بشری‌اش با

خانواده دردکشیده او محکوم کرده بودند.

اگر بهنام هشت سال در زندان و تحت تعقیب و پیگرد دستگاه امنیتی نبود، نیما را برای درمان به خارج کشور منتقل می‌کرد و جان‌ش را نجات می‌داد. اما او گروگان دستگاه امنیتی برای انتقام از پدرش بود!

امروز نیمای عزیز ما دیگر تاب نیاورد و برای همیشه ما را با داغ از دست دادنش تنها گذاشت. مراسم تشیع پیکر او قرار است فردا سه‌شنبه ۳۰ مهرماه از مقابل بیمارستان شریعتی برگزار شود. ما از همه خانواده‌های کارگری و زندانیان سیاسی و فعالین همه عرصه‌های اجتماعی می‌خواهیم که زبیده حاجی‌زاده مادر نیمای عزیزمان را چون همیشه در آغوش محبت خود بگیرند و در این مراسم فعالانه شرکت کنند. یاد نیمای ما ابدی خواهد بود.

- کمیته مبارزه برای
آزادی زندانیان سیاسی
- نهاد کودکان مقدمند
۲۹ مهرماه ۱۳۹۸، ۲۱
اکتبر ۲۰۱۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اطلاعیه شماره ۲۵:

۱۸ کارگر بازداشتی آذربایجان آزاد شدند
کارگران خواهان آزادی تمام دستگیر شدگان هستند

روز اول آبان ۱۸ نفر از کارگران بازداشتی آذربایجان قید وثیقه آزاد شدند. آزادی این کارگران در ادامه بیش از یک ماه اعتصاب و اعتراضات این کارگران و همچنین اعتراضات در دیگر مراکز کارگری در اراک صورت می‌گیرد. این کارگران در جریان یورش وحشیانه نیروی انتظامی به صف اعتراض کارگران آذربایجان روز ۲۸ مهر بازداشت شده بودند. آزادی آنها را به این عزیزان، به کارگران آذربایجان اراک و به همگان تبریک می‌گوییم.

از شمار ۲۱ نفر از کارگران بازداشت شده آذربایجان هنوز سه نفر از آنان در بازداشت بسر می‌برند و کارگران خواهان آزادی بدون قید و شرط همه آنها هستند. تعرض نیروهای کثیف حکومتی به صف کارگرانی که حقوق حقه خود را طلب میکنند و خواسته‌های برحق دارند، مورد انزجار همه کارگران و مردم است. اعتراض کارگران آذربایجان به دزدی‌های پشت پرده تحت عنوان خصوصی سازی و نداشتن امنیت شغلی و تعویق پرداخت کارگران دستمزدهاست. آذربایجان خواستار آزادی فوری همکاران بازداشتی خود، توقف احضارها و پرونده سازیها و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه کارگران هستند. اعتراضات این کارگران از مهرماه آغاز شده و تا کنون این کارگران مبارزات جانانه ای را به پیش بردند. یک عرصه مهم مبارزات این کارگران علیه شورای اسلامی

پیش بسوی شوراهای
پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲ آبان ۹۸، ۲۴
اکتبر ۲۰۱۹